

نقش دیپلماسی مسیر دوم در مناسبات ایران و آمریکا: مطالعه موردی دیپلماسی ورزشی (۲۰۱۹-۱۹۹۸)

سودابه مختاری^۱

گارینه کشیشیان سیرکی^{۲*}

چکیده

امروزه، کاربرد قدرت نرم و بومی‌سازی آن در تحولات نظام اقتصادی - سیاسی جهانی ضرورتی انکارناپذیر است که آن را در سه بعد فرهنگی، اقتصادی و سیاسی می‌توان مورد بررسی قرار داد. یکی از متغیرهای فرعی در بخش فرهنگی، ورزش می‌باشد. همچنین با تغییر شکل منازعات بعد از جنگ سرد، دیپلماسی مسیر اول که روشی برای حل منازعات بر سر منافع و قدرت است به تنهایی قادر به حل منازعات نبود. از این رو روش‌های دیگری از جمله دیپلماسی مسیر دوم با هدف رفع ابعاد ریشه‌ای منازعه به کمک دیپلماسی رسمی آمده و نقش مکمل را ایفا نمود. این تکنیک که توسط افراد غیررسمی و در محیط‌های غیررسمی صورت می‌گیرد یکی از گام‌های مؤثر در راستای فراهم‌آوردن زمینه صلح در سطوح رسمی است و یکی از گونه‌های دیپلماسی مسیر دوم، دیپلماسی ورزشی است. این پژوهش که به روش کیفی و با استفاده از شیوه تئوری داده بنیان انجام گرفته، به دنبال پاسخ به این سؤال است که نقش دیپلماسی مسیر دوم در مناسبات ایران و آمریکا، در حیطه دیپلماسی ورزشی چیست؟ ابزار تحقیق مصاحبه بوده و جامعه آماری مدیران ورزشی می‌باشند. نتایج تحقیق نشان داد که چهار ردیف گسترده شامل توسعه چندجانبه، همبستگی، مدیریت ارتباطات و پرستیژ بین المللی با زیرطبقه‌های خود به عنوان مؤلفه‌های اصلی دیپلماسی مسیر دوم در مناسبات ایران و آمریکا مؤثرترند، و دیپلماسی مسیر دوم، بخصوص دیپلماسی ورزشی می‌تواند اثرگذاری به مراتب بیشتری در شرایط بحرانی داشته باشد؛ جایی که دیپلماسی رسمی قادر به حل منازعات منافع و قدرت نمی‌باشد.

واژگان کلیدی: دیپلماسی مسیر دوم، دیپلماسی ورزشی، مناسبات ایران و آمریکا

۱. دانشجوی دکتری روابط بین الملل، گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، واحد بین الملل کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، جزیره کیش، ایران

۲. گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
* G_keshishyan@azad.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۶/۲

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین الملل، دوره دهم، شماره پیاپی سی و نه، صص ۲۹۰-۲۶۹

۱. مقدمه

روابط ایران و آمریکا از سال ۱۹۹۸ دوره‌ای طولانی از خصومت را تجربه کرده و تنها لحظات زودگذری از آرامش در میان این تنش‌ها وجود داشته است. با وجود تنش میان ایران و آمریکا و فقدان روابط دیپلماتیک رسمی بین دو کشور، انواع مختلفی از تعاملات میان مردم این دو کشور و مبادلات اندک فرهنگی بین دو طرف دیده می‌شود. می‌توان گفت که رویدادهای ورزشی می‌توانند نقشی اصلی را در بهبود دیپلماسی میان ایران و آمریکا داشته باشند. در این راستا در فوریه ۱۹۹۸، تیم ملی کشتی آمریکا برای شرکت در مسابقات جام تختی وارد ایران شد که مشخص نمود چگونه ورزش می‌تواند بر دیوار بی‌اعتمادی ساخته شده در برابر کشورها، غلبه کند. فرصت بعدی در ژوئن ۱۹۹۸ به وجود آمد، زمانی که تیم‌های فوتبال ایالات متحده و ایران در جام جهانی فرانسه هم‌گروه شدند. این مسابقه به نمادی در برابر کلیشه‌های سیاسی تبدیل شد. این رویدادها و دیپلماسی ورزشی علاوه بر کشتی و فوتبال، در ورزش‌های کمتر محبوب دیگر نیز پیگیری شدند. به عنوان مثال پس از قرار گرفتن ایران در رده چهل و نهم رده بندی جهانی تینیس در سال ۲۰۰۸، تیم ایران با پیشنهادی از فدراسیون ایالات متحده برای برگزاری دوره‌های آموزشی مشترک در لاس وگاس مواجه شد. اواخر همان سال، تیم ایران برای بازی در تورنمنت لاس وگاس به آمریکا دعوت شد.

در دوران اوپاما، روابط بین مردم دو کشور تقویت شد و دیپلماسی ورزشی به خصوص در کشتی، نقشی محوری داشت. همچنین لحظه‌ای نادر از همکاری میان ایران، ایالات متحده و روسیه در کشتی دیده می‌شود. زمانی که این سه کشور برای موفقیت در برابر کمیته بین‌المللی المپیک با یکدیگر متحد شدند تا از خروج قریب الوقوع این ورزش از رقابت‌های المپیک جلوگیری کنند. یک سال بعد ایران میزبان جام جهانی کشتی فرنگی شد، که فرصت دیگری برای ایجاد روابط میان ایران و آمریکا فراهم آورد. در سال ۲۰۱۴ نیز تیم ملی والیبال مردان ایران برای شرکت در بازی‌های جهانی به ایالات متحده رفت و در برابر تیم ملی این کشور قرار گرفت.

نمونه‌های ذکر شده نشان می‌دهد که، دیپلماسی ورزشی به عنوان یکی از شاخه‌های دیپلماسی مسیر دوم، به ایجاد روابط بین دو کشور متخاصم کمک کند. در شرایطی که

ممکن است دیپلماسی رسمی به هیچ عنوان راهگشا و امکان‌پذیر نباشد؛ دیپلماسی ورزشی می‌تواند با بهره‌گیری از راهکارهایی که کاملاً با راهکارهای سیاسی متفاوت است، به نتایجی دست یابد؛ که ممکن بود با دیپلماسی رسمی، سال‌های سال، این مسیر طی نمی‌شد. البته دیپلماسی ورزشی نیز، بی‌ارتباط با دیپلماسی رسمی نبوده، چنانچه دیده شد که دیپلماسی ورزشی ایران و آمریکا نیز قربانی سیاست‌های تندرمانه ترامپ نسبت به ایران شد. اگرچه دیپلماسی ورزشی این پتانسیل را دارد که روابط بین ایران و ایالات متحده را بهبود ببخشد، اما محدودیت‌های مجزایی برای تکیه بر این نوع دیپلماسی، به‌عنوان دیپلماسی مسیر دوم وجود دارد که دیوار خصمانه بی‌اعتمادی میان واشنگتن و تهران را تقویت می‌کند.

۲. تاریخچه مناسبات ورزشی ایران و آمریکا

امروزه افکار عمومی یکی از ارکان مهم در تصمیم‌گیری کشورها در حوزه‌های گوناگون محسوب می‌شود و کشورها نمی‌توانند همچون گذشته تنها بر تبادلات بین دولتی در قالب دیپلماسی سنتی تکیه کنند (شریعتی فیض‌آبادی، ۱۳۹۴: ۴). به عبارت دیگر، در دیپلماسی عمومی مخاطب برنامه‌ها را مردم، نخبگان سیاسی، فرهنگی و در مجموع جمعیتی غیر از مسئولان تشکیل می‌دهند و در این زمینه از ابزارهای مختلفی مانند تبلیغات، رسانه‌های جمعی و تأثیرگذاری فرهنگی از طریق دانشگاه‌ها و... استفاده می‌شود (یزدانی و نژادزندی، ۱۳۹۱: ۱۲).

همچنین در دنیای امروز و در اثر تحولات فناورانه در سه دهه گذشته، شرایط دیپلماسی بین کشورها کاملاً دگرگون شده و مرزهای سنتی دیپلماسی متحول گشته‌اند. (سجادپور و زاده علی، ۱۳۹۳: ۴۷) در واقع دولت‌ها در عصر حاضر سعی دارند با استفاده از دیپلماسی عمومی افکار عمومی را با خود همراه کنند تا برای رسیدن به اهداف سیاست خارجی خود با مشکلات کمتری مواجه شوند (Amirtash, 2008, p. 8). اگرچه دیپلماسی ورزشی در سال‌های اخیر به عنوان زیرشاخه دیپلماسی عمومی توجهات زیادی را به خود جلب کرده است، تاریخچه این موضوع به قرن نهم پیش از

می‌گردد؛ طی اولین آتش‌بس جشنواره بازی های المپیک باستان یک اکچیریا توسط پادشاهان آن زمان المپیک امضا شد (Grix, 2014, p. 17).

آنها در آن زمان توافق کردند تا تمام رفتارهای خشن و دشمنانه را طی برگزاری بازی به حالت تعلیق درآورند تا موجبات خشنودی تماشاگران و ورزشکاران این بازی را فراهم کنند. قرن‌ها پس از آن، امروزه ادبیات دیپلماتیک ورزشی توانسته مرزها را کمرنگ و راه‌های بیشتری را برای گفت‌وگو باز کند تا از این طریق افراد مختلف در کنار یکدیگر جمع شوند (دوستی، ۱۳۹۱: ۲۱). گریکس (۲۰۱۳) چهار دلیل را برای ورود ورزش به دیپلماسی و روابط بین‌الملل بیان می‌دارد که عبارتند از:

1- ورزش می‌تواند صدای یک ملت را رساتر به گوش سایر سیاستمداران برساند و نقش مکمل برای سیاست‌های یک دولت داشته باشد (شریعتی فیض‌آبادی و همکاران، ۲۰۱۳: ۱۱). کشور چین در دهه ۱۹۷۰ میلادی توانست توسط ورزش خود را به جامعه جهانی بقبولاند. نمونه بارز این موضوع حمایت چین از ورزشکار خود یائو مینگ بود که از وی به عنوان سخنگوی جهانی، نماینده فرهنگ چینی، مدرنیته و پیشرفت جهانی حمایت کرد. نمونه دیگر را می‌توان اعزام چهار بسکتبالیست آمریکایی در ۲۶ آگوست ۲۰۱۲ به کشور میانمار به عنوان بخشی از برنامه حمایتی ایالات متحده برای احترام به تنوع نژادی در نظر گرفت که آنها در آن کشور چند کارگاه آموزشی و کلینیک به راه انداختند (Lanzac and Blain, 2011, p. 5).

2- رویدادهای بزرگ ورزشی برای ملت میزبان، فرصت‌های مهم دیپلماتیک عمومی را مهیا می‌کنند. میزبانی یک رویداد بین‌المللی دلیلی بر تأیید شهروندی بین‌المللی خوب مردمان آن کشور است.

3- سومین دلیل این است که دولت‌ها دیگر به ورزش دید پدیده‌ای اضافه یا مکان بکر را ندارند. امروزه ورزش به نوعی قدرت مطلق تبدیل شده.

4- دیپلماسی رشته‌های ورزشی به حکومت‌ها اجازه می‌دهد تا انعطاف‌پذیری شایان توجهی را در زمانی که روابط دیپلماتیک آنها ضعیف یا قوی هستند، در آن سوی وضعیت سیاسی از خود نشان دهند. تعاملات دیپلماسی ورزش مسیری نرم برای کشف تغییرات سیاسی محتمل است. آنها مسیرهای جایگزین برای گفت‌وگو میان ملل و

افراد ناآشنا ایجاد می‌کنند و در مواردی ابزاری برای تحریک یا تنبیه یک ملت هستند. برای مثال در سال ۲۰۱۲ و پیش از آغاز بازی‌های ۲۰۱۲ لندن، در آرژانتین پیامی تبلیغاتی از تلویزیون پخش شد که در آن ورزشکاران آرژانتینی در جزایر فاکلند (جزایری که برای تصاحب آنها میان انگلستان و آرژانتین دعوا وجود دارد) تمرین می‌کردند و شعار آنها در این تبلیغ برای رقابت در خاک انگلستان، ما در خاک آرژانتین تمرین می‌کنیم بود که این موضوع موجب شد تا فیلیپ هاموند وزیر دفاع بریتانیا این تبلیغ را پروپاگاندای غیرقابل امتحان، بسیار توهین آمیز و نامحترمانه توصیف کند (Govindan et al., 2015, p. 20).

۲۷۳



نقش دیپلماسی
مسیر دوم در
مناسبات ایران و
آمریکا: مطالعه
موردی دیپلماسی
ورزشی (۲۰۱۹-
۱۹۹۸)

از دیگر سوی اثبات شده که ورزش تنها یک فعالیت سرگرم کننده و پاره وقت نیست، بلکه پدیده‌ای است علمی که دارای ظرفیت بالایی فراتر از عرصه حرفه‌ای خود می‌باشد. ورزش امری اجتماعی-سیاسی-اقتصادی-فرهنگی و دیپلماتیک است. نکته مهم این است که تحوّل در ماهیت نظام بین الملل، نقش ورزش را نیز در جوامع به طرز شگفت‌انگیزی دگرگون کرده است. در سال‌های نه چندان دور و بخصوص پس از جنگ جهانی دوم و بوجود آمدن نظام دو قطبی در سطح بین المللی و پس از آن در دوران جنگ سرد و قبل از عصر جهانی شدن، تنها دولت‌ها به عنوان بازیگران عرصه بین الملل شناخته می‌شدند. اما با ظهور و گسترش عصر جهانی شدن بازیگران جدیدی نیز همچون سازمان‌های غیردولتی، شرکت‌های چند ملیتی، سازمان‌های بین المللی و حتی برخی شخصیت‌ها نیز به منزله عناصر تأثیرگذار ظهور کردند. امروزه ورزش به عنوان ابزاری برای دیپلماسی، ایدئولوژی، ملت‌سازی و ایجاد هویت ملی و حس مشترک و دسترسی به عرصه بین الملل و کسب منافع تجاری مطرح است. استفاده از رویدادهای ورزشی برای تحقق دیپلماسی و تحقق اهداف دولتها بسیار مورد توجه است.

بدون شک مهم‌ترین موضوع در خصوص ارتباط بین ورزش و روابط بین الملل، مبحث دیپلماسی ورزشی است. این موضوع در ابتدا به رابطه معروف پینگ پنگ بین کشورهای چین و ایالات متحده آمریکا بازمی‌گردد که برگزاری مسابقه بین تیم‌های ملی دو کشور در نهایت به کمک به برقراری روابط سیاسی و اقتصادی بین دو کشور منجر

شد. البته اخیراً در مورد ورزش‌های دیگری مانند، کشتی و فوتبال نیز اتفاق افتاده است. در شکل دیگر ورزش، جدای از فضای حرفه‌ای و قهرمانی می‌تواند در خدمت دیپلماسی سیاسی برای رفع اختلافات یا تسهیل کننده روابط بین کشورها قرار بگیرد.

در سال‌های بعد برخی برگزاری مسابقه ورزشی بین تیم‌های ایران و آمریکا را در رشته‌های فوتبال و کشتی در همین چارچوب دیدند. فرصتی که می‌توانست باعث رفع یا حداقل کاستن اختلافات بین کشورها شود. ولی با اینکه نتوانست باعث رفع اختلافات و از سرگیری روابط شود، اما تأثیر مثبتی در شکستن برخی تابوها و خط قرمزها در گفتگو و برقراری ارتباط سیاسی بین دو کشور داشت. (Kacos, 2011, p. 7) سه رشته ورزشی که مناسبات فراوانی با آمریکا دارد، کشتی، والیبال و فوتبال می‌باشند. برای مثال دیپلماسی کشتی می‌تواند باعث بهبود روابط دو کشور شود برای مثال: آغاز استفاده از دیپلماسی ورزشی در روابط ایران و آمریکا به زمان برگزاری رقابت‌های جام جهانی کشتی در ایران در سال ۱۹۹۸ میلادی و دعوت از تیم ملی کشتی آمریکا بازمی‌گردد. این سیاست در قبال آمریکا با احتیاط بیشتری دنبال شد که البته از سوی برخی از نهادها و سازمان‌های دولتی و غیردولتی آمریکایی با استقبال روبرو شد. این روابط هرچند کم به جایی رسید که پس از قریب به بیست سال بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران برای اولین بار تیم ملی کشتی آمریکا همراه با هیئتی برای برگزاری مسابقات جام جهانی کشتی به ایران آمد. (شهابی، ۱۳۸۲: ۱۷)

از دیگر موارد دیپلماسی ورزشی و مهم‌ترین آن، می‌توان به دیپلماسی کشتی بین تیم‌های ملی ایران و آمریکا اشاره کرد که همیشه در بدترین حالت و تنش‌های سیاسی بالا صورت می‌گرفت، اما دو تیم فارغ از مسائل سیاسی مسابقه را انجام و از نظر سیاسی - فرهنگی - ورزشی منجر به بهترین نتیجه یعنی اشاعه فرهنگ صلح و ایفای نقش سفیران فرهنگی بین دو کشور به بهترین شکل انجام می‌گردید. این نوع از دیپلماسی به دلیل ظرفیت بالا، هزینه نسبتاً کم و بهره‌وری بالا می‌تواند کارکرد و نتایج مثبتی را در کشور ما داشته باشد، امری که که متأسفانه تاکنون سیاستمداران ما یا نتوانستند از آن به خوبی استفاده کنند و یا آن را جدی نگرفتند. دیپلماسی کشتی بین کشورهای ایران و آمریکا به دلیل مسائل حاکم بر روابط خارجی دو کشور همیشه با

حساسیت‌های ویژه‌ای نیز روبرو بوده است. البته ورزش می‌تواند نتیجه خوبی در گسترش صلح داشته باشد و با باور و اعتقاد به این موضوع، ارشاد و راهنمایی دستگاه دیپلماسی کشور، آگاهانه و هدایت شده باشد.

از نظر قدرت سیاسی، در محیط استبدادی و استعمارزده منطقه، موقعیت ژئوپلیتیک ایران، به دلیل وجود حکومت مستقر و مستقل، بسیار حائز اهمیت است. افزایش رفت و آمد مقامات خارجی به تهران، نشان دهنده تغییر رویکرد این کشورها نسبت به ایران است؛ تغییری که خود از تغییر در سیاست خارجی و دیپلماسی کشورمان نشأت می‌گیرد. تمایل کشورهای جهان به تعامل با ایران، نشان دهنده درک آنان از تغییری است که در ایران صورت گرفته است؛ تغییری که در آن تعامل و ارتباط سازنده با جهان، یکی از پایه‌های اقتدار کشور محسوب می‌شود.

۲۷۵



نقش دیپلماسی
مسیر دوم در
مناسبات ایران و
آمریکا: مطالعه
موردی دیپلماسی
ورزشی (۲۰۱۹-
۱۹۹۸)

۳. پیشینه تحقیق

در راستای این مقاله پژوهش‌های مختلفی صورت گرفته که البته تفاوت‌هایی نیز با تحقیق حاضر دارند که عبارتند از:

پیمان فر و همکاران در ۱۳۹۸ در مقاله‌ای با عنوان «تبیین دیپلماسی ورزشی با استفاده از الگوی پارادایمی» بیان می‌کنند که دیپلماسی ورزش پدیده جدیدی است که به دنبال افزایش تعامل برای بازکردن افق‌ها و دیدگاه‌های جدید و کمک به درک فرهنگ بین مردم جهان است. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که برنامه‌محوری و شناخت دیپلماسی ورزشی پیامدهای عمده‌ای در سیاست خارجی و توسعه ورزش کشورها در ابعاد مختلف در برخواهد داشت، البته این پژوهش تفاوت‌های عمده با مقاله حاضر دارد.

همچنین پیمان فر و همکاران در سال ۱۳۹۸ در مقاله دیگری تحت عنوان «ارزیابی دیپلماسی ورزشی جمهوری اسلامی ایران با استفاده از مدل تاپسیس» بیان می‌کنند که دیپلماسی ورزشی پدیده‌ای است فراگیر که در سطح دیپلماتیک جزم‌مؤلفه‌های مهم ارتباطی میان کشورها و ملت‌ها محسوب می‌شود و از آن جهت مهم است که به "توانمندسازی ظرفیت‌ها" به عنوان مهم‌ترین راهبرد و "توسعه جامعه شناسی

سیاسی" به عنوان مهم‌ترین پیامد توجه دارد. آنچه از مطالعه این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت ضرورت تدوین برنامه بلند مدت در راستای توانمندسازی ظرفیت‌ها برای بهبود نقاط بحرانی است، که به مقاله حاضر نیز کمک خواهد نمود.

بخشی چناری و همکاران در سال ۱۳۹۸ در مقاله‌ای تحت عنوان «ارائه راهکارهایی برای توانمندسازی و ارتقای دیپلماسی ورزشی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» بیان می‌دارند که هدف از این پژوهش، ارائه راهکارهایی برای توانمندسازی و ارتقای توسعه دیپلماسی ورزشی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است که مهم‌ترین آن‌ها نظرات نخبگان است.

شریعتی فیض آبادی در سال ۱۳۹۸ در مقاله‌ای با عنوان «مطالعه تطبیقی دیپلماسی ورزش در توسعه روابط خارجی ایران و کشورهای منتخب» بیان می‌دارد که در میان انبوه سازمان‌های غیردولتی، چندملیتی و بین‌حکومتی، ورزش و نهادهای جهانی آن مانند کمیته بین‌المللی المپیک به عنوان بزرگترین ارزش مشترک جوامع امروز، سبب شدند تا فارغ از هرگونه رنگ قومی و نژادی، تحقق دهکده‌ای به واقع جهانی با شتابی روزافزون صورت گیرد؛ لذا هدف از پژوهش حاضر مطالعه تطبیقی دیپلماسی ورزشی در ایران و مقایسه آن با کشورهای منتخب بوده و به موارد گوناگونی اشاره شده، که با پژوهش حاضر کاملاً متفاوت است.

خبیری و فتاحی زاده در سال ۱۳۹۸ در مقاله‌ای با عنوان «دیپلماسی ورزشی: ایجاد و تحدید یک مفهوم راهبردی سیاسی» بیان می‌دارد که ورزش یکی از مهم‌ترین قلمروهای جدید سیاست ورزشی است. سیاست و ورزش حرفه‌ای بنا به مردمی شدن روزافزون، حدود و ثغور متفاوتی یافته‌اند و این رخداد، به ایجاد قلمروهای مشاعی برای هر دو انجامیده است. دیپلماسی و روندهای دیپلماتیک یکی از این مشاعات است که توسط آن می‌توان برای پیشبرد توسعه، اعمال قدرت نرم، ایجاد محملی برای گفتگو و همگرایی در جوامع چندفرهنگی و ارتقای روابط صلح آمیز میان دولت‌ها بهره گرفت، البته این تحقیق با پژوهش حاضر تفاوت‌های بسیاری دارد.

شاهرضایی و شیرزادی در سال ۱۳۹۷ در مقاله‌ای با عنوان «ورزش، سیاست و روابط بین‌الملل» بیان می‌دارند که گستره مفهومی ورزش فارغ از متغیرهای بیرونی تأثیرگذار و

تاثیرپذیر قابل شناخت نبوده و تنها در حوزه فعالیت‌های جسمانی و یا ذهنی نمی‌گنجد. ورزش در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی تأثیر گذاشته و متعاقباً تأثیر می‌پذیرد. با توجه به اهمیت بررسی علمی و شناخت کارکردهای ورزش در عرصه سیاست و روابط بین دولت‌ها و سایر بازیگران بین‌المللی، در این پژوهش به مطالعه رابطه ورزش، سیاست و روابط بین‌الملل پرداخته شده و ابعاد مختلف آن مورد بررسی قرار گرفته است.

صباغیان در سال ۱۳۹۴ در مقاله‌ای تحت عنوان «دیپلماسی ورزشی» بیان می‌دارد که اکنون نقش ورزش و فعالیت‌های ورزشی از یک فعالیت بدنی یا نوعی تفریح و سرگرمی فراتر رفته و کارکردهای مختلف بهداشتی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، زیست‌محیطی و مهم‌تر از آن سیاسی و بین‌المللی پیدا کرده است. به نظر وی، امروزه ورزش به‌طور گسترده در سراسر جهان رواج یافته و اسناد بین‌المللی جدید نیز به‌نوعی به ورزش توجه کرده‌اند. البته مقاله حاضر به رویدادهای مختلف اشاره کرده ولی به‌طور خاص به موضوع دیپلماسی ورزشی ایران و آمریکا اشاره نداشته است و این تفاوت کار ما با این مقاله است.

عباسی بختیاری (۱۳۹۰) در تحقیقی با عنوان «بررسی اثرات متقابل فرهنگ و ورزش» بیان می‌کند که؛ وضعیت اقتصادی افراد، حجم اوقات فراغت، نگرش حاکمان و دولت‌مردان، پیشینه فرهنگ ملی و دینی، توسعه روابط بین‌الملل، شیوه فرهنگ پذیری و توسعه فرهنگ از جمله عواملی هستند که در تثبیت جایگاه ورزش در فرهنگ اجتماعی نقش بسزایی دارند و همه این عوامل بربکدیگر اثر می‌گذارند و از هم تأثیر می‌گیرند. البته این تحقیق با پژوهش حاضر تفاوت‌های شایان توجهی دارد.

البوصافی و بنافا (۲۰۱۳)، در تحقیق خود تحت عنوان «روند جهانی و نیازهای محلی - جهانی شدن و ورزش»؛ به بررسی اینکه جهانی شدن تا چه حد ورزش را تحت تأثیر قرار می‌دهد پرداخته‌اند. آن‌ها ذکر می‌کنند که ورزش نمونه برجسته‌ای از روند جهانی شدن فراهم آورده است. بازی‌های المپیک، نهادها و سازمان‌های بین‌المللی حاکم بر ورزش و ورزش مدرن با کمک رسانه‌ها، حرفه‌ای شدن، تجاری شدن و دیگر

پیشرفت‌های تکنیکی جهانی توسعه‌یافته‌اند، و اهمیت ورزش در روابط کشورها غیرقابل انکار است؛ از این پژوهش نیز در تحقیق حاضر استفاده خواهد شد.

رابرتسون (۲۰۱۳) در تحقیق خود با عنوان «دیپلماسی ورزش در کشمکش محیط: موردی برای تلاش در افغانستان» بیان می‌کند که بیش از سه دهه است که جنگ‌های قومی، قبیله‌ای، مرزسازی و مرکزیت را در افغانستان شاهد هستیم جایی که همه در پی پیدا کردن هویت می‌باشند. در طول سال‌ها عملکرد آزادی نیروهای استعماری و دولت افغان در تلاش برای پیدا کردن راهی برای حفظ امنیت افراد جوان از اثرات شورش‌ها و یاغی‌گری‌ها بودند. تاریخ بیان می‌کند که مؤثرترین روش برای دیپلماسی ورزش با هدف قرار دادن افراد جوان و جمعیت زنان می‌باشد. البته این تحقیق نیز با پژوهش حاضر تفاوت‌های بسیاری دارد.

آناستاسوسکی (۲۰۱۳) در تحقیقی با عنوان «ورزش جایگزینی برای فعالیت‌های دیپلماتیک» اظهار می‌دارد که برای موفقیت در ورزش به مقدار زیادی تمرین، نظم و تاکتیک، صبر و شکیبایی و مهارت نیاز است که به افراد جوان قبل از اینکه در زمینه‌های مختلف اجتماعی موفق شوند کمک می‌کند. در این زمینه دیپلماسی ورزشی به‌عنوان یک پدیده جدید یک مسیر در ورزش باز کرده است که هدفش افزایش گفتگو برای بازکردن افق‌ها و دیدگاه‌های جدید و کمک به درک بیشتر فرهنگی بین مردم جهان است. از این تحقیق در پژوهش حاضر استفاده خواهد شد.

دانلی (۲۰۱۱) در تحقیق خود تحت عنوان «از جنگ بدون سلاح تا ورزش برای توسعه و صلح»، به این نتیجه رسید که ورزش ابزاری مهم برای هدایت جوانان برای کنترل اجتماعی و سیاسی در جامعه و همچنین ابزاری برای هدایت جوانان برای مشارکت در جامعه است. البته اگر ورزش به‌درستی هدایت نشود باعث افزایش خشونت در جامعه خواهد شد، که این تحقیق نیز تفاوت‌های بسیاری با پژوهش حاضر دارد.

۴. روش تحقیق

ماهیت این مطالعه به لحاظ اجرا کیفی است زیرا در فرآیند پیشبرد مطالعه از روش تئوری بنیانی بهره گرفته می شود. روش تحقیق پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی است چرا که نتایج حاصل از تحقیق می تواند توسط کارشناسان، محققان و برنامه ریزان دست اندرکار مورد استفاده قرار گیرد. از نظر روش گردآوری داده ها و قابلیت تعمیم، پژوهش حاضر از نوع توصیفی (غیر آزمایشی) است زیرا به دنبال تبیین وضع موجود بوده و اساساً از طریق آنچه که اتفاق افتاده است، قصد شناسایی و زمینه یابی و پیش بینی مولفه های تاثیرگذار را دارد. ضمن این که در فرآیند شناسایی بسترها و واقعیات به کنکاش در عقاید و نظرات اعضای جامعه می پردازد. از نظر روش بررسی و تحلیل داده ها، تحقیق از نوع علی ارتباطی است زیرا به تحلیل رابطه ی بین متغیرها می پردازد و سعی در برآورد علتها داشته. در نهایت این که پژوهش حاضر به لحاظ منطق، قیاسی و از نظر زمان انجام، طولی آینده نگر می باشد.

در این ارتباط جامعه آماری شامل نخبگان و مدیران ورزشی می باشند. جهت بررسی نقش دیپلماسی مسیر دوم در مناسبات ایران و آمریکا از رهیافت تئوری بنیانی بهره گرفته شد. با برگزیدن تئوری بنیانی به عنوان رهیافت پژوهشی، ابتدا ارزیابی اولیه از شرایط موجود انجام شد تا روند جمع آوری داده های تحقیق به گونه ای هدفمند و سازمان یافته آغاز گردد. در این راستا، کار جمع آوری داده ها با انجام مصاحبه نیمه ساختار یافته با یکی از مدیران ورزشی آغاز شد. سئوالات اصلی که در این مصاحبه ها مطرح شدند عبارتند از: نقش توسعه فرهنگی، تعاملات رسانه ای، برون رفت از بعد تاریک، وحدت و همگرایی ملی، مبارزه با انزوا، توسعه اقتصادی، توسعه قدرت هوشمندانه، صلح و دوستی، برندینگ بین الملل در بهبود مناسبات ایران و آمریکا چیست؟

سپس با راهنمایی ایشان مصاحبه با سایر مدیران ورزشی فعال ادامه یافت. در حین انجام مصاحبه ها مطالب ضبط شده به نوشتار تبدیل و جملات مرتبط با پژوهش بیرون کشیده می شدند. به عبارت دیگر، کار بررسی و تجزیه و تحلیل اطلاعات به موازات انجام مصاحبه ها پیش می رفت. جهت تجزیه و تحلیل داده ها از روش های کدگذاری

باز و کدگذاری محوری بهره گرفته شد (Blodgett, 2008). روش سوم نیز کدگذاری انتخابی است که بنابر عقیده محققان این نوع از کدگذاری می‌تواند بنا به صلاحدید و نیاز محقق انجام گیرد (Abdollahi et al, 2013). با افزایش تعداد مصاحبه‌ها به نظر می‌رسید که دیگر اطلاعات جدیدی در اختیار محقق قرار داده نمی‌شود و سخنان مصاحبه شونده‌گان تکرار صحبت‌های قبلی است. لذا این نقطه از تحقیق همان اشباع تئوریک محسوب می‌شود که نشان دهنده‌ی نزدیک بودن نقطه پایان فرآیند گردآوری اطلاعات می‌باشد. در این مرحله از تحقیق، تقریباً کار استخراج مفاهیم و طبقه‌بندی آن‌ها نیز رو به اتمام بود.

لازم به ذکر است دغدغه درباره پایایی و روایی در همه‌ی شیوه‌های پژوهش، مورد توجه بسیاری از پژوهشگران قرار دارد. در این مطالعه از ممیزی پژوهشی برای سنجش پایایی و روایی مدل نهایی، استفاده شد. در این حالت روایی و پایایی به‌جای آنکه از جانب داوران خارجی تأیید یا رد شود، به‌طور فعال حاصل می‌شود. (فوس و پدرسون، ۲۰۱۶: ۲) ممیزی پژوهشی در پژوهش‌های کیفی، اشاره به سازوکارهایی دارد که برای تضمین تدریجی روایی و پایایی و در نتیجه دقت علمی یک پژوهش در طی فرآیند انجام پژوهش انجام می‌شود. (ماسون، ۱۹۹۶: ۴) این سازوکار در هرکدام از مراحل این مطالعه انجام می‌گیرد تا با شناسایی و اصلاح خطاها قبل از ورود به مدل و قبل از اینکه تحلیل را مخدوش سازند، نوعی یافته‌ی پژوهشی معتبر ایجاد کند. در انتها باید عنوان گردد که معیارهایی مانند حساسیت پژوهشگر، انسجام روش‌شناسی، متناسب بودن نمونه و گردآوری و تحلیل همزمان داده‌ها از جمله مهم‌ترین راهبردهایی هستند که در این مطالعه جهت اجرای ممیزی پژوهش مورد استفاده قرار گرفت.

اما در بخش بعدی، پس از استخراج چارچوب‌های مفهومی نقش توسعه فرهنگی، تعاملات رسانه‌ای، برون رفت از بعد تاریک، وحدت و همگرایی ملی، مبارزه با انزوا، توسعه اقتصادی، توسعه قدرت هوشمندانه، صلح و دوستی، تجاری‌سازی بین الملل در بهبود مناسبات ایران و آمریکا و تلفیق متغیرهای استخراج شده از این مدل‌ها با

سایر متغیرهای تحقیق، فرضیه‌ها و سئوالات مطرح شده در پژوهش مورد آزمون قرار خواهند گرفت.

۵. یافته‌ها

پس از انجام مصاحبه‌ها، جملات و مفاهیم مرتبط با تحقیق بیرون کشیده می‌شدند که حاصل این مرحله در بررسی نقش دیپلماسی مسیر دوم در مناسبات ایران و آمریکا، رسیدن به ۷۳ مفهوم بود که در قالب جداولی تنظیم شدند. این مرحله از تجزیه و تحلیل داده‌ها در نظریه بنیانی تحت عنوان کدگذاری باز نامیده می‌شود. پس از مرور مفاهیم استخراج شده در جداول و حذف موارد مشابه نتیجه نهایی جدولی شامل ۴۵ مفهوم بود که در این بخش آورده شده است.

در قدم بعدی، رمزگذاری محوری صورت گرفت که بر اساس آن می‌باید کار طبقه‌بندی مفاهیم انجام می‌گرفت. در این راستا، مفاهیم نزدیک به هم بنا بر مشابهت‌هایی، در یک زیرطبقه قرار گرفتند و در عین حال بر اساس تفاوت‌های بین مفاهیم زیرطبقه‌های مختلف تشکیل شد که با برقرار کردن ارتباط بین آن‌ها، طبقات به وجود آمدند. به عبارت دیگر، در مرحله رمزگذاری محوری، فرآیند ایجاد و توسعه طبقات اصلی و زیرطبقه‌های مربوط سامان دهی می‌شود. لازم به ذکر است که بررسی الگوهای موجود در داده‌ها و مقایسه دائمی داده‌ها و طبقات استخراج شده فرآیندی تکرار شونده به شمار می‌رود.

این فرایند یکی از پیچیده‌ترین بخش‌های مطالعه است که بارها و بارها مفاهیم در قالب زیر طبقه‌های مختلف مقایسه و جایگزین شده و جداول زیادی شکل گرفت که در نهایت تصمیم بر آن شد تا فرآیند رمزگذاری محوری در قالب جدولی که شامل نقش دیپلماسی مسیر دوم در مناسبات ایران و آمریکا تنظیم گردد. در جدول مذکور که شامل کدهای محوری و مفاهیم مرتبط می‌باشد تلاش شده است که مولفه‌های دیپلماسی مسیر دوم در مناسبات ایران و آمریکا به شکل کاملاً طبقه‌بندی شده آورده شود.

با توجه به نتایج رمزگذاری محوری در بیان نقش دیپلماسی مسیر دوم در مناسبات ایران و آمریکا ۹ زیرطبقه به عنوان مولفه‌های نقش دیپلماسی مسیر دوم در مناسبات

ایران و آمریکا شناسایی شده‌اند که عبارتند از: توسعه فرهنگی، تعاملات رسانه ای، برون رفت از بعد تاریک، وحدت و همگرایی ملی، مبارزه با انزوا، توسعه اقتصادی، توسعه قدرت هوشمندانه، صلح و دوستی، برندینگ بین الملل. هر یک از این زیرطبقات یا همان مولفه‌های بررسی نقش دیپلماسی مسیر دوم در مناسبات ایران و آمریکا خود شامل گویه‌هایی هستند تحت عنوان کدهای باز برجسته.

نتایج حاصل از رمزگذاری گزینشی مشخص می‌نماید در بیان نقش دیپلماسی مسیر دوم در مناسبات ایران و آمریکا چهار طبقه گسترده شامل توسعه چندجانبه، همبستگی، مدیریت ارتباطات، پرستیژ بین المللی به عنوان مولفه‌های دیپلماسی مسیر دوم در مناسبات ایران و آمریکا شناسایی شده‌اند.

جدول شماره ۱. طبقات حاصل از تحلیل مفاهیم (رمزگذاری گزینشی):
نقش دیپلماسی مسیر دوم در مناسبات ایران و آمریکا (نگارندگان)

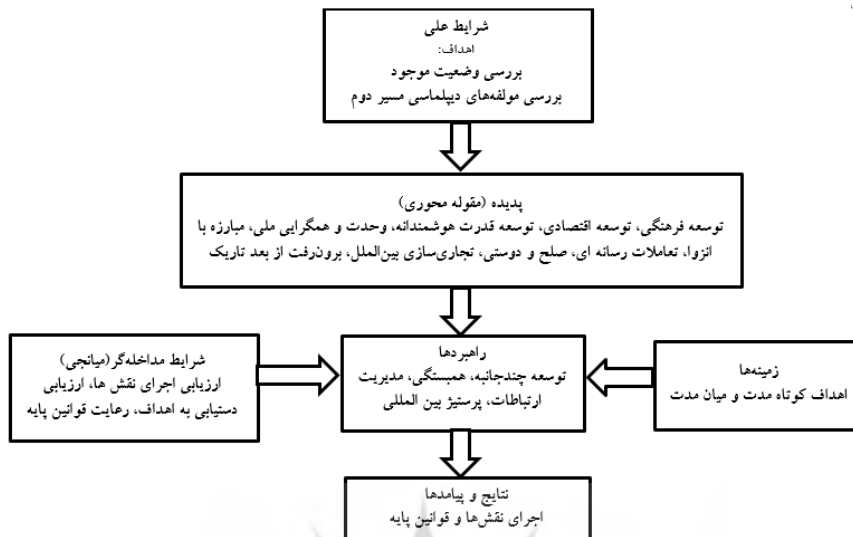
گویه‌ها (کدهای باز)	زیرطبقه (کدهای محوری)	طبقه گسترده (کدهای گزینشی)
ظرفیت‌ها، امکانات، توانمندی‌ها و ویژگی‌های فرهنگی	توسعه فرهنگی	توسعه چندجانبه
تماس فرهنگی، انتقال اطلاعات، تبادل ارزش‌ها و هنجارها		
ساماندهی بازدیدهای فرهنگی مقامات		
فعالیت‌های دیپلماتی در حوزه تبادل ارزش‌هایی چون آزادی بیان، دین و برابری جنسیتی		
کاهش در میزان فقر، جرم، جنایت و ویژگی‌های قومیتی		
موقعیت ایدئولوژیکی و ارتباط دیپلماتیک مناسب و گسترده		
طراحی و اتخاذ استراتژیها و سیاستهای مقبول و زدودن ذهنیت‌های تاریخی منفی		
قدرت شکل‌دهی و کنترل افکار عمومی		
قدرت نفوذ در باورها و نگرش‌ها		

برخورد مناسب و اتحاد مواضع مقبول در برخورد با بحران‌های بین‌المللی		
ارائه خدمات بشر دوستانه و رعایت استانداردهای حقوق بشر		
مشارکت در جنبش‌های صلح طلب و نیروهای حافظ صلح و تشکیل انجمن‌های دوستی با کشورهای مختلف		
حضور گسترده در جوامع فرهنگی و رایزنی‌های فرهنگی		
بهبود بروندهای اقتصادی و بازسازی نهادهای داخلی	توسعه اقتصادی	
تقویت زیرساخت‌های اقتصادی و ایجاد تسهیلات مناسب		
ایجاد امنیت برای سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی		
توانایی‌ها و برتری‌های نظامی	توسعه قدرت هوشمندانه	
توانایی‌ها و برتری‌های اقتصادی		
توانایی‌ها و برتری‌های فرهنگی		
توانایی‌ها و برتری‌های ایدئولوژیک		
اثرگذاری بر افکار عمومی	وحدت و همگرایی ملی	همبستگی
برقراری پیوندهای دوجانبه		
احترام به قوانین		
بهبود کارکردهای اجتماعی، آموزشی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی		
خروج از انزوای ژئوپلیتیکی	مبارزه با انزوا	
ارتقای جایگاه سیاسی		
ایجاد احترام بین‌المللی		
کاهش فشارهای سیاسی		
خودباوری نخبگان سیاسی		
برخورداری از شبکه‌های خبری جهان گستر	تعاملات رسانه‌ای	مدیریت ارتباطات
قدرت تولید و توزیع محصولات رسانه‌ای متنوع به کشورها		
نفوذ در رسانه‌های بین‌المللی		
انتقال مناسب تصویر و پیام دیپلماتیک		

ثبات بین‌المللی	صلح و دوستی	پرستیز بین‌المللی
دفاع از گروه‌های آسیب‌پذیر		
حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات	تجاری‌سازی بین‌الملل	
پذیرش حقوق کشور در جامعه جهانی		
معیار مقایسه قدرت کشورها	برونرفت از بعد تاریک	
قدرت تأثیرگذاری بین‌المللی		
تقویت قدرت نرم کشور	کاهش میزان انتقامجویی و کارهای غیراخلاقی	
کاهش میزان انتقامجویی و کارهای غیراخلاقی		
کاهش اهداف نامشروع سیاسی		
کاهش عرصه‌های دشمنی‌های سیاسی و عقیدتی		
کاهش فعالیتهای تروریستی و تظاهرات		
ابزاری برای ترویج قدرت		

منبع: نگارندگان

در نهایت مدل پارادایمی دیپلماسی مسیر دوم در مناسبات ایران و آمریکا به صورت شکل ۱ ارائه می‌گردد. همانگونه که در شکل مذکور نمایش داده شده است یکی از ضرورت‌های دیپلماسی مسیر دوم در مناسبات ایران و آمریکا، توجه به ارزیابی اجرای نقش‌ها، ارزیابی دستیابی به اهداف، رعایت قوانین پایه می‌باشد که این امر در راستای حل مسائل مدیریتی است (شرایط مداخله گر (میانجی))، بدین منظور لازم است که مسئولان شرایط لازم را برای توسعه چندجانبه، همبستگی، مدیریت ارتباطات، پرستیز بین‌المللی فراهم آورند (راهبردها). همچنین از الزامات مهم داشتن اهداف کوتاه مدت و میان مدت می‌باشد و ایجاد تحولات ساختاری در این زمینه ضروری به نظر می‌رسد (زمینه‌ها). توسعه فرهنگی، توسعه اقتصادی، توسعه قدرت هوشمندانه، وحدت و همگرایی ملی، مبارزه با انزوا، تعاملات رسانه‌ای، صلح و دوستی، برندینگ بین‌الملل، برونرفت از بعد تاریک از دیگر لازمه‌های بررسی نقش دیپلماسی مسیر دوم در مناسبات ایران و آمریکا است (پدیده (مقوله محوری)). البته باید این نکته را در نظر داشت که بدون تعریف و مشخص کردن مؤلفه‌های اجرای نقش‌ها و قوانین پایه، دیپلماسی مسیر دوم از پیش نمی‌رود (نتایج و پیامدها)



شکل شماره ۱. مدل پارادایمی نقش دیپلماسی مسیر دوم در مناسبات ایران و آمریکا (نگارندگان)

۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

جهت بررسی نقش دیپلماسی مسیر دوم در مناسبات ایران و آمریکا از رهیافت تئوری داده بنیان بهره گرفته شد. تئوری داده بنیان یکی از روش‌های تحقیق کیفی است که با تأکید بر زمینه‌های واقعی اهدافی یک تحقیق را دنبال می‌کند و برخلاف پارادایم کمی به دنبال آزمون نظریه‌ای خاص نیست، بلکه خود می‌خواهد نظریه و یا مدلی را از دل هر آنچه به طور واقعی وجود دارد، استخراج کند. حاصل بهره‌گیری از این روش تحقیق خاص محقق را به مدلی می‌رساند که از آن به عنوان مدل مفهومی (مدلی که بر اساس یافته‌های تحقیق کیفی و توسط خود محققان تدوین شده است و پیشینه نظری همانند مدل‌های نظری ندارد) نام برده می‌شود و برای ادامه فرآیند مطالعه حاضر دستیابی به این مدل مفهومی بسیار مهم تلقی می‌شود.

به طور کلی، بنا به این، یک رویکرد کیفی جهت دستیابی به اهداف این بخش از مطالعه برگزیده شد که در این بررسی بنا بر دیدگاه محققان بررسی ژرف و عمیق در

1. context
2. conceptual model

ارتباط با دیپلماسی مسیر دوم نیاز بود تا از تمامی جهات و با یک دید کلی نگری به موضوع نگریسته شود و این امر با ماهیت روش های کیفی همخوانی دارد. بر این اساس روش پژوهشی تئوری بنیانی برگزیده شد که ظهور و بروز مفاهیم و تئوری های موجود در پدیده های طبیعی از ویژگی های ذاتی آن محسوب می شود.

با برگزیدن تئوری بنیانی به عنوان رهیافت پژوهشی، ابتدا ارزیابی اولیه از شرایط موجود انجام شد تا روند جمع آوری داده های تحقیق به گونه ای هدفمند و سازمان یافته آغاز گردد. در این راستا، کار جمع آوری داده ها با انجام مصاحبه نیمه ساختار یافته با یکی از مدیران ورزشی آغاز شد. سئوالات اصلی که در این مصاحبه ها مطرح شدند عبارتند از: نقش توسعه فرهنگی، تعاملات رسانه ای، برون رفت از بعد تاریک، وحدت و همگرایی ملی، مبارزه با انزوا، توسعه اقتصادی، توسعه قدرت هوشمندانه، صلح و دوستی، تجاری سازی بین الملل در بهبود مناسبات ایران و آمریکا چیست؟

سپس با راهنمایی ایشان مصاحبه با سایر مدیران ورزشی فعال ادامه یافت. در حین انجام مصاحبه ها مطالب ضبط شده به نوشتار تبدیل و جملات مرتبط با پژوهش بیرون کشیده می شدند. به عبارت دیگر، کار بررسی و تجزیه و تحلیل اطلاعات به موازات انجام مصاحبه ها پیش می رفت. جهت تجزیه و تحلیل داده ها از روش های کدگذاری باز و کدگذاری محوری بهره گرفته شد. روش سوم نیز کدگذاری انتخابی است که بنا بر عقیده محققان این نوع از کدگذاری می تواند بنا به صلاحدید و نیاز محقق انجام گیرد.

با افزایش تعداد مصاحبه ها به نظر می رسید که دیگر اطلاعات جدیدی در اختیار محقق قرار داده نمی شود و سخنان مصاحبه شوندگان تکرار صحبت های قبلی است. لذا این نقطه از تحقیق همان اشباع تئوریک محسوب می شود که نشان دهنده ی نزدیک بودن نقطه پایان فرآیند گردآوری اطلاعات می باشد. در این مرحله از تحقیق، تقریباً کار استخراج مفاهیم و طبقه بندی آن ها نیز رو به اتمام بود.

در میان تمام محققانی که بر پژوهش های مبتنی بر پارادایم کیفی دست دارند، توافق عمومی وجود دارد که یک محقق کیفی باید قادر باشد معتبر بودن مطالعه خویش را به نمایش گذارد. در همین راستا برخی از محققان روش هایی را برای برآورد روایی تحقیقات کیفی ارائه نموده اند. مطالعات کیفی و از جمله تئوری بنیانی روش هایی را

معرفی نموده اند که عبارتند از: مثلث سازی، که به کارگیری روش های چندگانه جهت گردآوری اطلاعات است؛ توصیف زیاد و غنی، مشخص کردن سوگیری، که سوگیری و جهت ذهنی محقق را مشخص می کند؛ حضور طولانی مدت در میدان تحقیق؛ مرور و بررسی مجدد اطلاعات توسط همکاران؛ و کنترل توسط اعضا.^۳

جهت تأیید و افزایش روایی در مطالعه حاضر، از روش های مثلث سازی و کنترل برای تأیید رونوشت های مصاحبه ها توسط اساتید و همچنین مصاحبه شوندگان استفاده شد. از روش توصیف زیاد و انبوه برای اطمینان از این که هر طبقه کلی که از درون مطالعه ظهور می کند از نظر محقق و پاسخ دهندگان معنای مشابهی دارد. روش دیگری که مورد استفاده قرار گرفته یادداشت برداری در طول مصاحبه ها برای اطمینان از این که اطلاعات جمع آوری شده از پاسخ دهندگان درست و دقیق می باشد.

بهره گیری از روش های مشارکتی بین محقق و مصاحبه شوندگان راهبرد دیگری برای تأیید روایی است که توسط Merriam (1998) پیشنهاد شده است. در این مطالعه از روش مشارکتی در قالب مصاحبه ها و تعاملات بین محقق و باغداران، محققان و کارشناسان بهره گرفته شده است. در نهایت از روش مرور و بررسی مجدد اطلاعات توسط همکاران^۴ تحقیق (که در این جا اساتید محترم راهنما و مشاور می باشند) استفاده گردید.

اما در بخش بعدی، پس از استخراج چارچوب های مفهومی نقش توسعه فرهنگی، تعاملات رسانه ای، برون رفت از بعد تاریک، وحدت و همگرایی ملی، مبارزه با انزوا، توسعه اقتصادی، توسعه قدرت هوشمندانه، صلح و دوستی، برندینگ بین الملل در بهبود مناسبات ایران و آمریکا و تلفیق متغیرهای استخراج شده از این مدل ها با سایر متغیرهای تحقیق، فرضیات و سوالات مطرح شده در پژوهش مورد آزمون قرار خواهند گرفت.

همانگونه که اشاره شد پس از انجام مصاحبه ها، جملات و مفاهیم مرتبط با تحقیق بیرون کشیده می شدند که حاصل این مرحله در بررسی نقش دیپلماسی مسیر دوم در

1. Bias
2. Prolonged time in the field
3. Member-checks
4. Rich, Thick, description
5. Peer debriefing

مناسبات ایران و آمریکا، رسیدن به ۷۳ مفهوم بود که در قالب جدولی تنظیم شدند. این مرحله از تجزیه و تحلیل داده‌ها در نظریه بنیانی تحت عنوان کدگذاری باز نامیده می‌شود. پس از مرور مفاهیم استخراج شده در جداول و حذف موارد مشابه نتیجه نهایی جدولی شامل ۴۵ مفهوم بود.

نتایج رمزگذاری محوری مشخص نمود که در بیان نقش دیپلماسی مسیر دوم در مناسبات ایران و آمریکا ۹ زیرطبقه به عنوان مولفه‌های نقش دیپلماسی مسیر دوم در مناسبات ایران و آمریکا شناسایی شده‌اند که عبارتند از: توسعه فرهنگی، تعاملات رسانه‌ای، برون رفت از بعد تاریک، وحدت و همگرایی ملی، مبارزه با انزوا، توسعه اقتصادی، توسعه قدرت هوشمندانه، صلح و دوستی، برندینگ بین الملل. هر یک از این زیرطبقات یا همان مولفه‌های بررسی نقش دیپلماسی مسیر دوم در مناسبات ایران و آمریکا خود شامل گویه‌هایی هستند تحت عنوان کدهای باز برجسته. ضمناً نتایج رمزگذاری گزینشی مشخص نمود که در بیان نقش دیپلماسی مسیر دوم در مناسبات ایران و آمریکا چهار طبقه گسترده شامل توسعه چندجانبه، همبستگی، مدیریت ارتباطات، پرستیژ بین المللی به عنوان مؤلفه‌های دیپلماسی مسیر دوم در مناسبات ایران و آمریکا شناسایی شده‌اند.

۷. پیشنهادات

- ✓ پیشنهاد می‌شود که مسئولان برای توسعه بعد اقتصادی افزایش جریان سرمایه و گسترش آزادی تجاری را در کشور و به‌ویژه صنعت ورزش کشور فراهم نمایند.
- ✓ پیشنهاد می‌شود که مسئولان برای توسعه بعد فرهنگی به گسترش تفکر جهانی اندیشیدن، محلی عمل کردن و انفرادی تغییر کردن از طریق ورزش پردازند.
- ✓ پیشنهاد می‌شود که مسئولان ورزشی برای کسب میزبانی رویدادهای بین‌المللی بیشتر کوشش نمایند.
- ✓ پیشنهاد می‌شود که مسئولان ورزشی به جذب حامیان بین‌المللی برای ورزش کشور پردازند.

منابع

بخشی چناری، امین رضا، و دیگران. (۱۳۹۸). ارائه راهکارهایی برای توانمندسازی و ارتقای دیپلماسی ورزشی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. *فصلنامه علمی مدیریت ارتباطات در رسانه های ورزشی*، دوره ۶، شماره ۳ - شماره پیاپی ۲۳، بهار ۱۳۹۸، صص ۱۵-۲۲.

پیمان فر، محمدحسن و همکاران. (۱۳۹۸). «تبیین دیپلماسی ورزشی با استفاده از الگوی پارادایمی: مطالعه‌ای کیفی»، *نشریه مدیریت ورزشی*، دوره ۱۱، شماره ۱، بهار ۱۳۹۸، صص ۵۹-۷۵.

پیمان فر، محمدحسن، الهی، علیرضا، سجدپور، محمدکاظم، و مهرزاد حمیدی. (۱۳۹۸). ارزیابی دیپلماسی ورزشی جمهوری اسلامی ایران با استفاده از مدل تاپسیس. *راهبرد اجتماعی فرهنگی* سال هشتم، پاییز ۱۳۹۸، شماره ۳۲.

خبیری، محمد، و فتاحی زاده، ابوذر. (۱۳۹۸). دیپلماسی ورزشی: ایجاب و تحدید یک مفهوم راهبردی سیاسی. *فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان*، پیاپی ۴۳ (بهار ۱۳۹۸)، صص ۱۶۴-۱۴۳.

دوستی، مرتضی. (۱۳۹۱). «علل ورود سیاسیون به ورزش»، رساله دکتري دانشکده تربیت بدنی، دانشگاه تهران، ص ۴۱.

سجادپور، سیدمحمدکاظم و مهدی زاده علی. (۱۳۹۳). «ضرورت دیپلماسی در عصر فناوری»، *فصلنامه پژوهش های روابط بین الملل*، دوره نخست، شماره ۱۱، بهار ۹۳، صص ۳۵-۶۷.

شاهرضایی، فاطمه، و شیرزادی، رضا. (۱۳۹۷). ورزش، سیاست و روابط بین الملل. *فصلنامه مطالعات بین المللی*، دوره ۱۵، شماره ۳، شماره پیاپی ۵۹، صص ۲۲۰-۱۸۵.

شریعتی فیض آبادی، مهدی. (۱۳۹۸). مطالعه تطبیقی دیپلماسی ورزش در توسعه روابط خارجی ایران و کشورهای منتخب. *نشریه علمی دانش سیاسی*، دوره ۱۵، شماره ۱، پیاپی ۲۹، صص ۱۴۸-۱۲۵.

- شریعتی فیض‌آبادی، مهدی و همکاران. (۱۳۹۴). جنبش المپیک یا جنبش دیپلماتیک؛ نقش ورزش در توسعه روابط بین الملل جامعه جهانی. تهران: **تیک‌تاک**، صص ۱۳۳-۱۳۲.
- صبغیان، علی، (۱۳۹۴)، «دیپلماسی ورزشی»، **فصلنامه مطالعات فرهنگ - ارتباطات**، سال شانزدهم، شماره سی و یکم، پاییز ۱۳۹۴، صص ۱۵۱-۱۳۱.
- عباسی بختیاری، رضا. (۱۳۹۰). «بررسی اثرات متقابل فرهنگ و ورزش». **همایش صنایع فرهنگی و نقش آن در توسعه پایدار**، اصفهان.
- یارول، بی مانهایم. (۱۳۹۰)، **دیپلماسی عمومی راهبردی و سیاست خارجی**. ترجمه: آشنا، حسام الدین، و اسماعیلی، محمدصادق. شابک چاپ اول.
- یزدانی، عنایت‌الله، و نژادزندی، رویا. (۱۳۹۱). «کاربست دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در چارچوب اصول و ارزش‌های انقلاب اسلامی»، **فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهشنامه انقلاب اسلامی**، ش ۷، صص ۴۴-۱۹.
- AL-Busafi, M & Banafa, A. M. A. (2013). Global trend sand Local needs. The trouble whit sport globlaization. *European Scientific*, 8(21), 185.
- ğ mirtash, A. M. (2005). "Iran and the Asian games: hhe largest sports event in the Middle East". *Sport in Society*, 8(3), pp: 449-467.
- Donnelly, P. (2011). From war without weapons to sport for development and peace: The janus-face of sport. *Johns Hopkins Foreign Policy Institute, SAIS Review* 31(1), 65-76.
- Govindan, K., Azevedo, S. G., Carvalho, H., Cruz-Machado, V. (2015). "Lean, green and resilient practices influence on supply chain performance:iinterpretive structural modeling approach". *International Journal of Environmental Science and Technology*, 12(1), pp: 15-34.
- Grix, .. (2013). "Sport politics and the Olympics". *Political Studies Review*, 11(1), pp: 15-25.
- Grix, .., Houlihan, B. (2014). "Sports mega events as part of a nation's soft power strategy: The cases of Germany (2006) and the UK (2012)". *hhe British ournal of Politics & International Relations*, 16(4), pp: 572-596.
- Lanzac, A., Blain, C. (2011). "Weapons of mass diplomacy". London, New York: Self Made Hero Abrams, pp: 113-129.